

امام خمینی (قدس سره)

واژه‌نامه

آزادی خواه: آزادی طلب، دوستدار آزادی	مظلوم: ستم دیده	یک صدا: متحد، با هم
سلام الله علیها: درود خدا بر او باد	سرافراز: سربلند	*مزدور: کسی که تحت فرمان حاکم ستمگر کار می کند، سرسپرده
مکتب خانه: مدرسه (زمان قدیم)	ختم کردن: تمام کردن، به پایان رساندن	حوزه علمیه: مرکز آموزش علوم دینی
*فروتنی: تواضع، خاکساری	خوش بیان: خوش سخن	سیما: چهره
جذاب: گیرا، دوست داشتنی، دلربا	خصوصیات: ویژگی ها	اعتقاد: هر چیزی که شخص به آن معتقد باشد و آن را باور کرده باشد
*مرجعیت: رهبری، پیشوایی، مرجع تقلید بودن	*نهضت: قیام، خیزش	اعتراض: انتقاد کردن، مخالفت کردن
تظاهرات: راهپیمایی	تبعید: دور کردن، بیرون کردن کسی از محل اقامت خود و به جای دیگر فرستادن به عنوان نوعی مجازات	طرز: شیوه، روش
مرموز: پوشیده، مبهم، رمزار	تدریس: درس دادن	تألیف: نوشتن
استعمارگر: ستمکار، کشوری قوی که کشوری ضعیف را به بهانه آباد کردن آن اشغال می کند	برافراشته: بلند کرده، بالا برده	اقامت: ماندن، سکونت
*ناگزیر: ناچار	اعتصاب: دست از کار کشیدن گروهی برای اعتراض یا رسیدن به هدفی خاص	گریخت: فرار کرد
استقبال: به پیشواز کسی رفتن، خوش آمدگویی	واژگون: سرنگون	غافل: بی خبر، ناآگاه
*محبوب: دوست داشتنی، معشوق	مایه: موجب، سبب	میراث: ارث، مالی که از مرده برای ورثه باقی می ماند، آنچه از گذشتگان باقی مانده است
گردان: واحدی نظامی	مرخصی: اجازه دادن، آزادی	ول کردن: رها کردن
*کام: آرزو، میل، خواسته	*تسویه: برابر کردن حساب	*طفره رفتن: کوتاهی در کار، سردواندن

* اعزام: فرستادن، روانه کردن	* الحمد لله: خدا را سپاس، سپاس ویژه خداست	* هول بودن: ترسیدن، شتاب داشتن
* پاورچین پاورچین: آهسته و بی سروصدا راه رفتن	ابن بغل مغلها: همین اطراف	کلک: فریب و نیرنگ
جور و جور: گوناگون، مختلف	* سوءظن: بدگمانی	* پز دادن: خودنمایی کردن، تکبر کردن
* کلون: قفل چوبی که پشت در نصب کنند و با آن در را ببندند	* ژیان: خشمگین، خروشنده	* چریک: کسی که داوطلبانه می‌جنگد، سرباز شجاع
* ثواب: پاداش، اجر آخرت	* پل صراط: پلی است که میان بهشت و جهنم است. انسان‌ها بر حسب اعمال بد و نیک خویش از آن می‌گذرند و گناهکاران بر آن می‌لغزند. (اعلام کتاب)	* بهمان: شخصی یا چیزی که ناشناس و نامعلوم باشد، معمولا با «فلان» به کار می‌رود.
چینه: دیوار گلی	* ارواح: ج روح، روان‌ها	بغض: گرفتگی گلو از غصه و ناراحتی
منظره: جای نگاه کردن و نظر انداختن، چشم‌انداز	هجوم: حمله	بی‌معرفت: نمک‌نشناس، حق‌ناشناس، فردی که به نیکی‌هایی که در حق او شده بی‌توجه باشد
* تقصیر: سهل‌انگاری، کوتاهی	* آب‌غوره گرفتن: کنایه از گریه کردن	* روضه: باغ. روضه رضوان: باغ بهشت (در روان‌خوانی مرخصی، آنچه در مراسم سوگواری اهل بیت پیغمبر(ص) به ویژه در مراسم سوگواری امام حسین(ع) خوانده می‌شود. ذکر مصیبت و نوحه‌سرایی)
* بو بردن: فهمیدن، پی بردن، خبردار شدن	کله خراب: کسی که مغزش خوب کار نکند، بی‌عقل	* محوطه: میدان، محدوده، پیرامون
محو: ناپدید شدن	* کوپه: هر یک از اتاق‌های ویژه مسافر در قطار راه‌آهن	

بررسی قسمتی از روان‌خوانی مرضی

بچه‌هایشان را لای پنبه خوابانده‌اند ← کنایه از توجه زیاد به فرزندان

مثل بچه آدم ← کنایه از وضعیت و حالت عادی

یقہات را بچسبند ← کنایه از پیگیری جدی و مداوم

گوشش پُر بود ← کنایه از آگاهی زیاد / بی‌اعتنا بودن

به کامم تلخ کنند ← کنایه از مانع لذت بردن، شدن
عزا گرفته بودم ← کنایه از اضطراب و دلهره و دلشوره، مشوش بودن
جا خوردم ← کنایه از تعجب ناگهانی
مِن و مِّن کردم ← کنایه از تعلل و کندی در صحبت و صبر در گفتمان
هوا پس است ← کنایه از مناسب نبودن اوضاع
گوشش بدهکار نیست ← کنایه از توجه نکردن
سرش را گرم کردم ← کنایه از مشغول کاری کردن
حلال کردن ← کنایه از گذشتن از خطا و بدی کسی
شیرم را حرامت می‌کنم ← کنایه از نفرین کردن و دلخور بودن
از سرم بگذر ← کنایه از مرا ببخش، بی‌خیالم شو
جوش آورد ← کنایه از عصبانی شد
دهانت بوی شیر می‌دهد ← کنایه و طعنه از بچه و کم سن و سال بودن
شیرش کردی ← کنایه از جرئت بخشیدن
آب غوره گرفتن ← کنایه از گریه کردن
چپ‌چپ نگاه کردن ← کنایه از نگاه اخم‌آلود
دلش آب می‌شد ← کنایه از اثرپذیری
بو برده بود ← کنایه از باخبر شدن و پی بردن به چیزی
جگرم را خون کردی ← کنایه از ناراحتی و غصه شدید
سرک کشیدن ← کنایه از تحقیق و بررسی
نفس راحتی کشیدم ← کنایه از آرامش و آسودگی خیال
خرم از روی پل گذشت ← کنایه از انجام شدن کار مورد نظر
به خدا پیوست ← کنایه از اینکه فوت شد، از دنیا رفت

یکصدا بودن ← کنایه از متحد بودن
برخاک افتاد ← کنایه از کشته شدن
از پا درآمد ← کنایه از نابود شد، از بین رفت
حرفش را خورد ← کنایه از حرفش را قطع کرد
از دلم غم را هل دادم بیرون ← کنایه از ناراحتی و غصه را کنار گذاشتم
پرچم را برافراشته نگاه داشت ← کنایه از ادامه دادن مبارزه
مثل رعد پریدن ← تشبیه + کنایه از اقدام سریع
مرخصیام مثل باد گذشت ← تشبیه + کنایه از تند و سریع بودن
مثل شیر ژیان ← تشبیه مادر به شیر
نهام یک پارچه چریک شده بود ← تشبیه
یک ایل آدم ← اغراق و بزرگ‌نمایی
باد گرم، دست خود را به صورتم می‌کشید ← جان‌بخشی
شی تلخ ← حس آمیزی
بدی و خوبی ← تضاد

تاریخ ادبیات

محمد رضا کاتب (معاصر)

وی در سال ۱۳۴۵ در تهران به دنیا آمد و از سنین نوجوانی به داستان‌نویسی روی آورد. «پری در آبگینه» و «دوشنبه های آبی ماه» از آثار او به شمار می‌آید.

کتاب «امام خمینی (ره)»

کتاب «امام خمینی (ره)» نوشته امیر حسین فردی است.

۱) کتاب امام خمینی (ره) به قلم کدام نویسنده است؟

الف) شهید رجایی ب) مصطفی چمران ج) امیرحسین فردی د) محمدرضا کاتب

۲) ضمیر جدای «او» در جمله زیر مربوط به کدام شخص می‌باشد؟

«پیامبر اسلام (ص) در آداب و رفتار اسوه عالمیان است. او در کارهای منزل به خانواده اش کمک می‌نمود.»

الف) سوم شخص جمع ب) دوم شخص مفرد ج) اول شخص مفرد د) سوم شخص مفرد

۳) در کدام گزینه غلط املائی یافت می‌شود؟

الف) نظام ب) اعتساب ج) تبعید د) میراث

۴) زمان کدام گزینه به گذشته (ماضی) دلالت دارد؟

الف) می‌شکنم ب) می‌خواند ج) خریده بود د) می‌نویسیم

۵) کدام عبارت غلط املائی دارد؟

الف) خواجه نصیرالدین ب) ملاسدرآ ج) فیلسوف د) پیشاپیش

۶) کدام یک از واژه‌های زیر با واژه‌ی «حَرَم» هم‌خانواده نیست؟

الف) رحیم ب) محرم ج) حریم د) احرام

۷) کدام یک از واژه‌های زیر هم‌خانواده واژه «مَحْزُون» نیست؟

الف) حَزین ب) حَزَن ج) مُحْرز د) أَحزان

۸) در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

الف) انسان‌های آزادی‌خواه و مظلوم جهان، نامش را یکصدا فریاد خواهند کشید.

ب) آن سوار، به دست مزدوران خون، هدف گلوله قرار گرفت.

ج) نسیم مهربان لالایی آنها را که مانند پری لطیف بر گونه‌ی من کشیده می‌شود، لمس می‌کنم.

د) هر وقت نظم و نثری دلپذیر و شیرین به این زبان می‌خوانم، شادمان می‌شوم.

۹) کدام یک از کلمه‌های زیر، مصدر نیست؟

الف) خریدن ب) دویدن ج) فروختن د) دوان